



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری

سال سوم، شماره‌ی ۱۰، پاییز ۱۳۹۳

صفحات ۶۴-۴۹

بررسی تطبیقی کیفیت زندگی در شهرهای گردشگری و غیرگردشگری (مطالعه‌ی موردی: شاندیز و چناران)

*علیرضا خواجه شاهکوهی

**فهمیه مینایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۲۶

چکیده

کیفیت زندگی شهری یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات شهری در کشورهای مختلف است. این مهم دلیل اهمیت روزافزون مطالعات کیفیت زندگی در پایش سیاست‌های عمومی و نقش آن به‌عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است. هدف تحقیق حاضر کاربردی و بر پایه‌ی روش توصیفی-تحلیلی استوار است. جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی سرپرستان خانوارهای ساکن در شهرهای شاندیز و چناران بوده که حجم نمونه‌ی آماری با استفاده از فرمول کوکران ۲۹۰ نفر (شهر توریستی شاندیز ۱۴۰ نفر و شهر غیرتوریستی چناران ۱۵۰ نفر) تعیین و برای انتخاب نمونه‌های آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده^۱ استفاده شده است که اطلاعات میدانی توسط پرسش‌نامه استاندارد جمع‌آوری گردید. نتایج یافته‌ها با استفاده از آزمون آماری من‌ویتنی نشان می‌دهد که از نظر برخی مؤلفه‌ها همانند؛ کیفیت محیط مسکونی، کیفیت سلامت و کیفیت اوقات فراغت؛ شهر توریستی شاندیز نسبت به شهر غیرتوریستی چناران در وضعیت مناسب‌تری قرار دارد. نتایج آزمون آماری فریدمن بیانگر آن است که؛ سطوح مؤلفه‌های کیفیت زندگی در هر یک از این دو شهر با همدیگر تفاوت معنادار در سطح ۹۹ درصد دارند و با توجه به مقدار میانگین رتبه‌ای هریک از مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دو شهر مورد مطالعه، مؤلفه‌ی «کیفیت محیط مسکونی» بالاترین رتبه و مؤلفه‌ی کیفیت مشارکت اجتماعی پائین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند و مؤلفه‌های کیفیت سلامت، درآمد، اشتغال و کیفیت اوقات فراغت در شهر توریستی شاندیز به ترتیب رتبه‌های ۲، ۳ و ۴ را بدست آورده‌اند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، شهرهای توریستی و غیرتوریستی، شاندیز، چناران، استان خراسان رضوی.

* نویسنده مسئول: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان (shahkoochi@yahoo.com)

** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان

^۱ Simple Random Sampling Method

مقدمه

شرایط امروزی شهرها ایجاب می‌کند که دولت و سازمان‌ها و نهادهای عمومی اقدام به بررسی و تحلیل و ارزیابی کیفیت شهرها از جهات مختلف نمایند تا بدین وسیله ضمن شناخت کیفیت موجود، توان‌ها، ضعف‌ها و نارسایی‌ها، امکان برنامه‌ریزی آگاهانه‌تر و هدفمندتری جهت رفع نواقص و ارتقاء کیفیت شهرها به‌وجود آید (بحرینی و طبیبیان، ۱۳۷۷: ۱۴۶). همچنین از آنجایی که حد آسایش و رفاه یک فرد با حداکثر شاخص‌های کیفیت زندگی حاصل می‌شود، لذا امروزه کیفیت زندگی بسیار مورد توجه قرار گرفته، به‌طوری که امروزه برنامه‌ریزان توسعه‌ی شهری، کیفیت زندگی را به‌عنوان یک سر فصل مهم در تدوین استراتژی‌های مربوط، مد نظر قرار داده و هدف نهایی اقدامات عمرانی، خدمات عمومی و زیرساختی را در ارتقاء استانداردهای کیفیت زندگی تعریف می‌کنند (زمانی و فرهمند، ۱۳۹۲: ۳). لذا زندگی ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی محیط در یک ناحیه را نشان می‌دهد و به‌عنوان معیاری برای سنجش میزان بر آورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی جامعه و خانواده است (پال^۱، ۲۰۰۵: ۳۵).

کیفیت محیط شهری سنجشی است برای ارزیابی شرایطی از محیط سکونتی که از عوامل مؤثر بر آن می‌توان از میزان و نحوه‌ی خدمات رسانی اجتماعی، چگونگی سلسله مراتب در کاربری‌های عمده و خدماتی شهر، امنیت اجتماعی در فضاهای شهری، نحوه‌ی دسترسی به فضاهای شهری، مکان قرارگیری کاربری‌ها و فضاهای اصلی شهری در بستر شهر، محیط زیست شهری، میزان توجه به گروه‌های خاص اجتماعی مانند سالمندان و معلولان، عملکرد بخش‌های مختلف در شهر و همین‌طور توجه به هویت و فرهنگ بومی ساکنان نام برد (مهندسین مشاور آرمان‌شهر، ۱۳۸۳).

بر این اساس، این پژوهش در دو شهر گردشگری شاندیز و غیرتوریستی چناران از لحاظ تأثیر عامل گردشگری بر کیفیت زندگی انجام گرفته و در پی آن است که با شناخت ماهیت و ویژگی‌های کیفیت زندگی در شهر گردشگری شاندیز و مقایسه آن با شهر غیرگردشگری چناران، به این سؤال اساسی پاسخ دهد که؛ آیا گردشگری می‌تواند باعث بالا بردن سطوح کیفیت زندگی شهروندان شود. به‌عبارتی؛ گردشگری چگونه و تا چه اندازه می‌تواند موجبات افزایش سطوح کیفیت زندگی را در ابعاد متفاوت فراهم نماید؟ حال بر اساس سؤال کلی مطرح، سؤالات فرعی دیگری نیز به شرح زیر قابل طرح خواهد بود:

- سطوح کیفیت زندگی در شهر توریستی شاندیز نسبت به شهر غیرتوریستی چناران چگونه است؟

^۱ Pal

- کدام یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه کیفیت زندگی همانند مشارکت اجتماعی، محیط مسکونی، سلامت، اوقات فراغت، اشتغال و درآمد، در شهرهای مورد مطالعه از اهمیت بیشتری برخوردارند؟

به‌منظور پاسخ به سوالات تحقیق ابتدا مولفه‌های کیفیت زندگی مشخص و سپس با آزمون‌های آماری پارمتری و ناپارمتری مقدار آن در شهرهای مطالعه‌اندازه‌گیری شد. در ادامه پس از ارائه مبانی نظری، روش تحقیق ارائه شده است. همچنین یافته‌های تحقیق و بحث و نتیجه‌گیری نیز در بخش‌های بعدی ارائه شده است. مقاله با ارائه پیشنهادها به پایان می‌رسد.

مبانی نظری تحقیق

کیفیت محیط و زندگی شهری از موضوعاتی است که از سوی علوم مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد. در این بین، دانش جغرافیای شهری کیفیت زندگی را در ارتباط با محیط و تاثیر آن بر نحوه عملکرد شهروندان، مورد توجه قرار می‌دهد (خواجه شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳). کیفیت زندگی ریشه در کفایت اقتصادی، محیطی و الزامات اجتماعی شهر دارد (مایرس^۱، ۱۹۸۷: ۱۰۵) و عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی محیط شهری که نشان‌دهنده‌ی میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری است (اورنگ، ۱۳۸۶: ۹) و از دو مؤلفه تأمین نیازهای انسان (معیشت، امنیت، محبت و عاطفه، مشارکت، آگاهی و گذران اوقات فراغت) و رفاه (شادکامی و سودمندی برای افراد و گروه‌ها) تشکیل شده است (احمدوند، ۱۳۹۱، ۹۳؛ به نقل از براگمن^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین اهمیت جنبه‌های اجتماعی در عرصه شهرسازی به‌حدی رسیده که یکی از ویژگی‌های شهر پایدار، «پایداری اجتماعی و کیفیت زندگی بالا» عنوان شده است، به این معنا که شهر پایدار به موازات توجه به مسائل زیست محیطی، باید به مسائل اجتماعی و انسانی نیز توجه داشته باشد (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۷۹). در دیدگاهی دیگر کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چند بعدی است که تحت تاثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این‌رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است. برخی آن را به‌عنوان زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایت‌مندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (اپلی و منون^۳، ۲۰۰۷، ۱۲). همچنین کوین‌لینچ^۴ در مورد کیفیت محیط شهرها می‌گوید: برای سکونت و زندگی شهر خانه‌ای است بزرگ و همان‌گونه که خانه باید از صفات و مزایایی

¹ Mayres

² Brugman

³ Epley & Menon

⁴ Kevin Lynch

برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تأمین آسایش و راحتی باشد و نیز مانند خانه محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر که زندگی را مرفه و مطلوب سازد (لینچ ۱۳۷۴: پیش‌گفتار). این که کیفیت زندگی را چگونه تعریف می‌کنند، خود بستگی به این دارد که مردم در کجا زندگی می‌کنند، چه کاری می‌کنند و اینکه چه منشأ نژادی و فرهنگی دارند. اندازه‌گیری و سنجش کمی کیفیت زندگی خود نیز بین ملل و جوامع مختلف با توجه به شرایط زندگی، نظام ارزشی و مجموعاً فرهنگ‌های مختلف آن‌ها کاری بس مشکل می‌نماید (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۳). با توجه به اهمیت مسأله کیفیت، به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در شهرها، همچون گذشته بدون توجه لازم به کیفیت محیط شهری، در مراحل مختلف تصمیم‌گیری صورت پذیرد، تضمینی برای دستیابی به محیط‌های دارای کیفیت شهری مطلوب وجود نخواهد داشت (بحرینی و طبیبیان، ۱۳۷۷: ۱۴۶).

در گذشته محققان علوم اجتماعی برای سنجش کیفیت زندگی استفاده از معرف‌های عینی فرافرنگی، مانند رفع نیازهای اولیه (غذا، سرپناه، ...) را توصیه می‌کردند. تأکید زیاد بر دیدگاه عینی منجر به غفلت از دیدگاه ذهنی شد که بسیار مهم است و در سطح فردی به کار برده می‌شود. در حالی که شاخص‌های عینی، محیط زندگی و کار را تشریح و شاخص‌های ذهنی راه‌هایی که مردم شرایط پیرامون‌شان را درک و ارزیابی می‌کنند را تشریح می‌نمایند (اکبری و امینی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). از طرفی امروزه تعریف بهزیستی ذهنی به‌عنوان شاخص کیفیت زندگی از مطلوبیت بیشتری برخوردار است (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۵) و مناسب‌ترین روش برای این منظور این است که مستقیماً از افراد در مورد احساس‌شان از زندگی و ویژگی‌های جامعه‌شان سؤال شود (حریرچی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۵). هدف از مطالعه کیفیت زندگی، تأکید بر این موضوع است که یک ناحیه نباید تنها از دیدگاه عینی و فیزیکی بررسی شود، بلکه باید از دیدگاه واکنش‌های ذهنی انسانی مورد توجه قرار بگیرد (رضوانی و همکاران: ۱۳۹۱، ۲۴).

مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی با یاری یکدیگر و با مسئولیت‌پذیری مشترک، به کنش اجتماعی روی آورند (علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۱۵). یکی از ابعاد مشارکت، مشارکت شهری است. همچنین می‌توان مشارکت شهری را به‌معنای شرکت و حضور جدی، فعالانه، آگاهانه و ارادی سازمان‌یافته و مؤثر افراد، گروه‌ها و سازمان‌های شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی شهری دانست (کمالی‌خواه و نوروزی، ۱۳۸۶: ۳). در تعریف اوقات فراغت (مؤلفه‌ی اجتماعی) می‌توان گفت: مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به‌منظور توسعه یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی،

خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (سعیدی و سینی‌چی: ۱۳۸۶). همچنین مفهوم اوقات فراغت و چگونگی گذران آن، از مباحث تازه‌ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم در حوزه‌ی جامعه‌شناسی بدل شده است. مفهوم زمان فراغت در برابر درگیری‌ها و کار روزمره که اغلب عامل خستگی است، به کار می‌رود (فکوهی و انصاری‌مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۲) و بررسی الگوهای فراغتی به‌عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی، بخش‌های مختلف زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و رابطه تنگاتنگی با گردشگری، مصرف، هویت و سبک زندگی دارد (فیروزجائیان و غلامرضازاده، ۱۳۹۱)، به طوری که کارکرد گذران اوقات فراغت و گردشگری به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی یک شهر مد نظر قرار گرفته می‌شود (آنوار^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۷۸).

مفهوم مسکن (مؤلفه‌ی کالبدی) علاوه بر ساختار فیزیکی که یک خانواده به‌عنوان سرپناه مورد استفاده قرار می‌دهد، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که خود شامل کلیه خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهتر زندگی کردن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است (مخیر، ۱۳۶۳: ۱۸). کمتر مقوله‌ای، در زندگی انسانی می‌توان سراغ گرفت که همچون کار (مؤلفه اقتصادی) ماهیت آن از طریق آثاری که برجای می‌گذارد، قابل توصیف و تبیین باشد. کار را می‌توان فرایندی رو به هدف در حیطه‌ی جمعیتی، فیزیکی و اجتماعی تعریف کرد که نیرو، حرکت و تغییر شکل در راستای معین صورت می‌گیرد، اما در درون مناسبات اجتماعی خاص، چگونگی، ارزش و سازمان‌یابی ویژه‌ی خود را می‌یابد. بنابراین، اشتغال مجموع فرآیند اجتماعی کار کردن است که از جنبه‌های اساسی می‌باید ضابطه‌مند باشد (رئیس‌دانا، ۱۳۹۰: ۴۲) و درآمد (مؤلفه اقتصادی) تمامی وجوه و ارزش کالاهایی است که در برابر کار انجام شده یا سرمایه به‌کار رفته و یا از طریق منابع دیگر (حقوق بازنشستگی، اجاره ملک، درآمد اتفاقی و نظایر آن) در زمان مشخص به خانوار تعلق گرفته باشد (سال‌نامه‌ی آماری استان مازندران، ۱۳۸۵) سلامتی، سرچشمه زندگی است نه وسیله‌ای برای آن. سلامتی مفهومی کاربردی دارد که افزون بر توانایی جسمی افراد، بر جنبه‌های روانی و اجتماعی آنان نیز، اثر می‌گذارد (اسچفیلد^۲، ۱۹۹۸: ۴۴). بنابراین، سلامت چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت جمعی بی‌تردید از مهم‌ترین ابعاد مسائل حیات انسان است. سلامت، شرطی ضروری برای ایفای نقش‌های اجتماعی است و همه‌ی انسان‌ها در صورتی می‌توانند فعالیت کامل داشته باشند که هم خود را سالم احساس کنند و هم جامعه آن‌ها را سالم بدانند (اسگال^۳، ۱۹۷۶: ۱۶۲).

^۱ Anuar

^۲ Scheffield

^۳ Segall

مهم‌ترین آثار اقتصادی گردشگری در بهبود کیفیت زندگی و در نهایت توسعه‌ی شهری شامل رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال مستقیم و غیر مستقیم، دائمی و فصلی در طیف متنوعی از مشاغل خدماتی و غیر خدماتی در شهر و پسرانه‌ی آن، افزایش درآمد سرانه و بالا رفتن سطح رفاه عمومی شهروندان، افزایش درآمد مراکز و واحدهای خدماتی-بازرگانی شهر و غیره است و اثرهای اجتماعی آن آشنایی گردشگر با فرهنگ و پدیده‌های معنوی، هنری و علمی، معرفی و مطرح شدن جامعه‌ی شهری میزبان و در نتیجه ایجاد فرصتهای بیشتر برای توسعه و پیشرفت، تقویت باورها و اعتقادات مردم شهر نسبت به فرهنگ خود و ... است و از مهم‌ترین آثار کالبدی گردشگری در توسعه‌ی شهری می‌توان به توسعه‌ی ساختارهای زیربنایی شهر، ایجاد توسعه و بهسازی اماکن و فضاهای تفریحی، احیا و بازسازی اماکن و ابنیه‌ی تاریخی در شهر و ... اشاره کرد (لطفی، ۱۳۹۳: ۱۳۳). در نهایت، گردشگری می‌تواند نقش مؤثری بر توانمندسازی جوامع محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد اقتصادی داشته باشد که با شناخت دقیق و صحیح توان‌های طبیعی، فرهنگی، تاریخی و شناسایی نقاط قوت و موجود منطقه می‌تواند در راستای توسعه‌ی پایدار هر منطقه‌ای نقش مهمی ایفا نماید (ناصر ثانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

پیشینه‌ی تحقیق

مطالعه پیرامون کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه و به تبع آن در ایران به‌طور قابل توجهی کمیاب است. همچنین درباره‌ی بررسی کیفیت زندگی در شهرهای توریستی و مقایسه آن با شهرهای غیرتوریستی مطالعاتی صورت نگرفته است، اما در سال‌های اخیر مطالعاتی پیرامون کیفیت زندگی در شهرها انجام گرفته است که در زیر به نتایج برخی از مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود:

سیف‌الدینی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش کیفیت و ظرفیت گردشگری شهری بر اساس الگوی رفتاری گردشگران و جامعه میزبان؛ نمونه موردی: شهر اصفهان» به این نتیجه رسیدند که ظرفیت پذیرش و کیفیت گردشگری این شهر از دید گردشگران بیش از ظرفیت پذیرش بالفعل این شهر است هر چند که تسهیلات و زیرساخت‌های گردشگری این مقصد هنوز در مرحله‌ی توسعه قرار دارد.

نقش گردشگری جنگ در ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان شهری مناطق جنگی استان خوزستان، با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چند معیاره (تاپسیس)^۱، مقاله‌ی دیگری است که توسط فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۰) تدوین شده است. یافته‌های حاکی از این تحقیق نشان می‌دهد که به ترتیب، شهرستان‌های آبادان، خرمشهر و دشت آزادگان از نظر کیفیت زندگی در سطحی پائینی از توسعه نسبت به شهرستان‌های بهبهان، رامهرمز و باغملک قرار

^۱ Topsis

دارند. بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی که توسط رضوانی و منصوریان (۱۳۸۶) تهیه شده است، نشان می‌دهد که سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی پدیده‌های پیچیده است که بدین منظور، باید شرایط مکانی و زمانی توأمان مورد توجه قرار گیرد. در تحقیقی دیگر، جمشید مولودی (۱۳۸۸) با استفاده از روش تحلیل عاملی و به‌کارگیری یک مدل تجربی سلسله مراتبی، به این نتیجه رسیده است که میزان رضایت ساکنین از کیفیت محیط شهری شهر جدید هشتگرد در سطح پائینی قرار دارد. همچنین نتایج تحقیق ربانی‌خوراسگانی و کیانپور (۱۳۸۶) تحت عنوان مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی شهر اصفهان، بیانگر آن است که رابطه‌ی معناداری بین کیفیت زندگی با سن و جنسیت پاسخ‌گویان وجود ندارد، اما بین کیفیت زندگی و وضعیت تأهل ارتباط معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که کیفیت زندگی افراد متأهل بالاتر از کیفیت زندگی افراد مجرد برآورد می‌شود. نتایج مطالعه‌ی فاضل و رمضانی‌فر (۱۳۹۱) در بررسی رابطه‌ی گردشگری و تغییرات سبک زندگی نشان می‌دهد که گردشگری تغییراتی را در سبک زندگی (الگوی مصرف مواد غذایی، گفتار، وضعیت مسکن، وضعیت پوشاک) به‌وجود آورده است. داس^۱ (۲۰۰۸) نیز چارچوب مفهومی برای سنجش کیفیت زندگی شهری پیشنهاد کرد که ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. این مدل رویکردی پائین به بالا پیشنهاد می‌کند که در آن هر دوی شاخص‌های عینی و ذهنی برای مطالعه کیفیت کلی زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. ماسیدا و ایتزو^۲ (۲۰۱۱) به بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی اصلی جریان گردشگری دو منطقه در کشور ایتالیا پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که حمایت‌های دولت‌های محلی از فعالیت‌های فرهنگی تاثیر مثبتی بر گردشگران داشته است. ضرایب آماری عناصر سمت عرضه‌ی گردشگری از جمله فرهنگ، امنیت عمومی و زیرساخت‌های حمل و نقل هرچند پایین بوده؛ ولی همه ضرایب معنی‌دار بودند و این امر ثابت می‌کند مؤلفه‌های اقتصادی و کیفی سمت عرضه در جذب گردشگر مؤثر است. کین^۳ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ی خود در شهر گوانژو چین نشان داده‌اند که شهر گوانژو دارای تنوعی از فعالیت‌های گردشگری بوده و این خود موجب جذب ورود بسیاری از گردشگران شده است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و بر پایه‌ی روش توصیفی-تحلیلی استوار است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، کلیه‌ی سرپرستان خانوارهای ساکن در شهرهای شان‌دیز (۳۱۲۰ خانوار)

^۱ Das

^۲ Massidda and Etzo

^۳ Qinx

و چنان‌که (۴۸۵۶۷ خانوار) بوده که حجم نمونه‌ی آماری با استفاده از فرمول منطقی کوکران^۱ برای دو جامعه‌ی آماری ۲۹۰ نفر (شهر توریستی شان‌دیز ۱۴۰ نفر و شهر غیرتوریستی چناران ۱۵۰ نفر) تعیین و برای انتخاب نمونه‌های آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است که اطلاعات میدانی توسط پرسش‌نامه‌ی استاندارد جمع‌آوری گردید. برای سنجش کیفیت زندگی در دو شهر مورد مطالعه از منابع نظری مختلفی استخراج گردیده؛ لیکن به دلیل ماهیت عینی و ذهنی مفهوم کیفیت زندگی شهری، مطالعه به دو صورت ذهنی و عینی انجام شده است.

شاخص‌های رویکرد عینی آن‌هایی هستند که سعی بر توصیف محیط‌های فیزیکی و اجتماعی دارند که مردم در آن‌ها زندگی و کار می‌کنند همانند تدارکات خدمات بهداشتی، آموزشی، نرخ بیکاری، فعالیت‌های فراغت و وضعیت مسکن... (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۶). این‌گونه شاخص‌ها بر اساس فروانی یا کمیت فیزیکی اندازه‌گیری می‌شود (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۶: ۶). شاخص‌های رویکرد ذهنی برای توصیف شیوه‌هایی که مردم اوضاع اطرافشان را درک و ارزیابی می‌کنند طراحی شده‌اند (مثل رضایت از شغل) (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۶). این شاخص‌ها بر اساس پاسخ‌های روانی همچون رضایت شغلی اندازه‌گیری می‌گردد (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۶: ۶).

در این پژوهش با استفاده از آزمون آماری من ویتنی^۲ به مقایسه‌ی متغیر ترکیبی از پنج مؤلفه همانند مشارکت اجتماعی، محیط مسکونی، سلامت، اوقات فراغت، اشتغال و درآمد در دو شهر توریستی شان‌دیز و غیرتوریستی چناران پرداخته و همچنین برای مقایسه‌ی اهمیت رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از آزمون آماری فریدمن^۳ استفاده شده است.

محدوده‌ی مورد مطالعه

شان‌دیز یکی از شهرهای زیبای ایران در استان خراسان رضوی و در ۱۵ کیلومتری غرب مشهد قرار دارد. این شهر از سطح دریا ۱۴۰۰ متر ارتفاع دارد و در طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۸ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۸ دقیقه است و از شمال به میان ولایت و از جنوب به شهرستان نیشابور و از مشرق به شهر طر‌قبه و از غرب به گل‌مکان و شهرستان چناران مجاور است و دارای وسعتی حدود ۳۷۸۲۵ کیلومتر مربع است و دارای ۱۷ آبادی است (بنیاد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵).

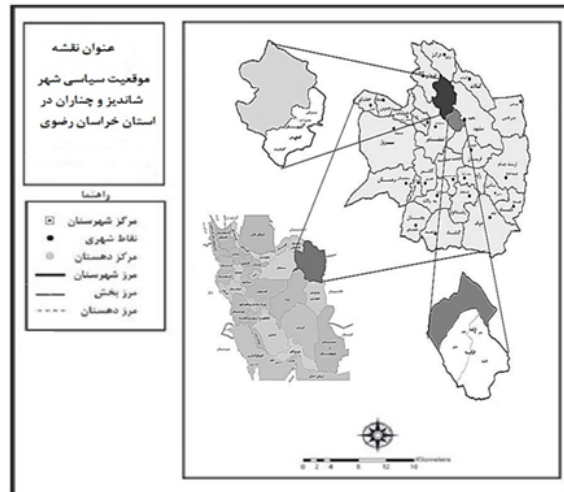
شهر چناران به‌عنوان مرکز شهرستان چناران، در بستر دشتی به‌همین نام در میان دو رشته‌کوه هزارمسجد و بینالود قرار گرفته است. رودخانه‌ی چناران از شرق شهر و بزرگراه

^۱ Cochran Test

^۲ Mann-Whitney Test

^۳ Friedman's test

مشهد- قوچان از جنوب مشهد عبور می‌کند. این شهر در مختصات جغرافیایی ۵۸ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۵۹ درجه ۲۳ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۳۷ درجه شمالی استقرار یافته است. فاصله‌ی این شهر تا مشهد مرکز استان خراسان رضوی ۵۰ کیلومتر است (مهندسان مشاور نقش پیراوش، ۱۳۸۵).



شکل ۱: نقشه‌ی موقعیت سیاسی شهرهای شاندیز و چناران در استان خراسان رضوی

منبع: مهندسان مشاور نقش پیراوش، طرح جامع شهرستان چناران، ۱۳۸۵

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس یافته‌های میدانی، از مجموع ۱۴۰ نفر جامعه‌ی آماری در شهر توریستی شاندیز، تعداد ۱۳۷ نفر (معادل ۹۸ درصد) مرد و تعداد سه نفر (معادل دو درصد) زن هستند. همچنین کمترین سن در بین پاسخگویان ۲۱ و بیشترین سن نیز ۶۸ سال است و میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۸ سال است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از نظر سطح تحصیلات در شهر شاندیز، بیشترین فراوانی مربوط به گروه دیپلم با تعداد ۵۴ نفر است. از نظر وضعیت تأهل، ۹۱/۴ درصد پاسخگویان متأهل و ۸/۶ درصد مجرد هستند. همچنین نتایج یافته‌ها در خصوص وضعیت اشتغال نشان می‌دهد که بیشترین پاسخ‌دهندگان با تعداد ۶۵ نفر (معادل ۴۶/۴۳ درصد) در وضعیت شغل آزاد و با تعداد ۱۲ نفر (معادل ۸/۵۷ درصد) در وضعیت شغل کارمندی قرار دارند.

از مجموع ۱۴۰ نفر پاسخگو در شهر توریستی چناران، ۹۳ درصد را مرد و هفت درصد را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۵ سال و از نظر سطح تحصیلات در

شهر چناران مانند شهر شاندیز، بیشترین فراوانی مربوط به گروه دیپلم با ۵۷ نفر (معادل ۳۸ درصد) است. از نظر وضعیت تأهل، ۸۴ درصد پاسخگویان را متأهل و شش درصد را افراد مجرد تشکیل می‌دهند و در خصوص وضعیت اشتغال، بیش‌ترین پاسخ‌دهندگان با تعداد ۱۰۲ نفر (معادل ۶۸ درصد) در وضعیت شغل آزاد قرار داشتند.

در این پژوهش، مطابق جدول یک و با استفاده از آزمون آماری من‌ویتنی به مقایسه‌ی متغیر ترکیبی از مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی، محیط مسکونی، سلامت، اوقات فراغت، اشتغال و درآمد در دو شهر توریستی شاندیز و غیرتوریستی چناران پرداخته شده است.

جدول ۱: مقایسه‌ی مؤلفه‌های کیفیت زندگی با استفاده از آزمون آماری من‌ویتنی

مؤلفه	شهر	میانگین رتبه‌ای	ضریب آزمون	Z مقدار	سطح معناداری
کیفیت محیط مسکونی	شاندیز	۱۴۶/۸۳	۶۱۴۶/۵	-۳/۶۲۶	۰/۰۰۰
	چناران	۱۱۳/۲۱			
کیفیت سلامت	شاندیز	۸۶/۰۶	۲۳۱۴/۵	-۱/۹۴۶	۰/۰۵۲
	چناران	۷۱/۸۹			
کیفیت درآمد و اشتغال	شاندیز	۹۰/۱۳	۲۸۰۵/۵	-۱/۶۲۹	۰/۱۰۳
	چناران	۷۸/۱۳			
کیفیت اوقات فراغت	شاندیز	۱۵۵/۱۶	۰/۹۱۴۷	-۱/۹۲	۰/۰۵۵
	چناران	۱۳۶/۴۸			
کیفیت مشارکت اجتماعی	شاندیز	۱۱۸/۱۱	۰/۶۶۶۶	-۴/۸۰۶	۰/۰۰۰
	چناران	۱۶۴/۵۶			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

نتایج آزمون آماری من‌ویتنی برای مقایسه‌ی میانگین مؤلفه‌های کیفیت زندگی در بین ساکنان شهرهای توریستی شاندیز و غیرتوریستی چناران نشان می‌دهد که از نظر مؤلفه‌های کیفیت محیط مسکونی، کیفیت سلامت و کیفیت اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد، به‌طوری که شهر توریستی شاندیز نسبت به شهر غیرتوریستی چناران از لحاظ مؤلفه‌های مذکور در سطح بالاتری قرار دارد، اما از لحاظ کیفیت اشتغال و درآمد بین ساکنان شهرهای توریستی شاندیز و غیرتوریستی چناران رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. همچنین از لحاظ «کیفیت مشارکت اجتماعی» بین ساکنان این دو شهر تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی ساکنان شهر غیرتوریستی چناران از لحاظ کیفیت مشارکت اجتماعی نسبت به شهر توریستی شاندیز در وضعیت مناسبی قرار دارند.

همچنین نتایج آزمون فریدمن در تعیین رتبه بین پنج مؤلفه‌ی کیفیت زندگی در دو شهر توریستی شاندیز و غیرتوریستی چناران نشان می‌دهد که سطوح مؤلفه‌های کیفیت زندگی در هر یک از این دو شهر با همدیگر تفاوت معنادار در سطح ۹۹ درصد دارند و با توجه به مقدار

میانگین رتبه‌ای هر یک از مؤلفه‌های کیفیت زندگی در دو شهر مورد مطالعه؛ مؤلفه‌ی کیفیت محیط مسکونی بالاترین رتبه و کیفیت مشارکت اجتماعی پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند و مؤلفه‌های کیفیت سلامت، درآمد و اشتغال و کیفیت اوقات فراغت در شهر توریستی شاندیز به ترتیب رتبه‌های دو، سه و چهار را به‌دست آورده‌اند. همچنین مؤلفه‌ی کیفیت سلامت و مؤلفه‌های کیفیت درآمد و اشتغال و کیفیت اوقات فراغت در شهر غیرتوریستی چناران در یک سطح قرار دارند و هر دو مؤلفه رتبه‌ی ۳ را به‌خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲: رتبه‌بندی مؤلفه‌های کیفیت زندگی با استفاده از آزمون آماری فریدمن

شهر چناران		شهر شاندیز		مؤلفه	
رتبه	میانگین رتبه‌ای	رتبه	میانگین رتبه‌ای	رتبه	میانگین رتبه‌ای
۱	۴/۲۵	۱	۴/۳۵	۱	کیفیت محیط مسکونی
۲	۳/۵۲	۲	۳/۶۷	۲	کیفیت سلامت
۳	۲/۶۳	۳	۲/۶۸	۳	کیفیت درآمد و اشتغال
۳	۲/۶۳	۴	۲/۶۲	۴	کیفیت اوقات فراغت
۴	۱/۹۶	۵	۱/۷۷	۵	کیفیت مشارکت اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی

به‌طور کلی رویکرد کیفیت زندگی شهری، تلاشی در جهت ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چارچوب پایداری و ایجاد احساس رضایت است (هارفام و همکاران^۱، ۲۰۰۱: ۱۰۹).

با توجه نتایج تحلیلی می‌توان اذعان داشت که از نظر برخی مؤلفه‌ها همانند کیفیت محیط مسکونی، کیفیت سلامت و کیفیت اوقات فراغت، شهر توریستی شاندیز نسبت به شهر غیرتوریستی چناران در وضعیت مناسب‌تری قرار دارد. دلیل آن این است که چناران از چند دهه پیش به‌عنوان شهر شناخته شده است و به‌عبارتی سابقه شهری بیشتری دارد و بدیهی است که مسکن شهرهای قدیمی از لحاظ کیفیت مسکن نسبت به کیفیت فناوری مسکن جدید در سطح پایین‌تری قرار دارند و از طرفی چون شهر شاندیز در دوره‌ی جدید به‌عنوان شهر توریستی شناخته شده است، افراد بیشتری برای زندگی در آن مکان تمایل به ساخت مسکن با کیفیت بهتر را دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین ورود گردشگر و کیفیت

^۱ Harpham

محیط مسکونی رابطه مستقیم مثبتی وجود دارد و وجود گردشگر باعث بالا رفتن کیفیت محیط مسکونی می‌گردد. همچنین از نظر «کیفیت سلامت و کیفیت اوقات فراغت» نیز بین ساکنان این دو شهر تفاوت معناداری با سطح ۹۰ درصد وجود دارد. به عبارتی ساکنان شهر شاندیز از لحاظ کیفیت سلامت و اوقات فراغت نسبت به شهر چناران در شرایط مناسبی قرار دارند. در رابطه با مؤلفه‌ی «کیفیت سلامت» می‌توان به این نکته اشاره کرد که چون در اطراف شهر توریستی شاندیز باغات و مزارع خصوصی فراوان و روستائینی که محصولات خود را برای فروش به آنجا می‌آورند، وجود دارد، به تبع ساکنان این شهر از لحاظ مواد غذایی (پروتئین و میوه و سبزیجات) در کیفیت مطلوب‌تری قرار دارند. همچنین در ارتباط مؤلفه‌ی اوقات فراغت لازم به ذکر است که شهر شاندیز دارای ۱۷ آبادی است که روستاهای ییلاقی ژشک، ابرده و بازار مبل مشهد در روستای نورآباد از آن دست می‌باشند که به علت قرار گرفتن در دامنه‌های شمالی سلسله ارتفاعات بینالود و برخورداری از آب و هوای معتدل و باغ‌های وسیع و مناظر طبیعی دیدنی به‌عنوان یکی از کانون‌های عمده‌ی گذاران اوقات فراغت و پذیرایی تعداد کثیری از جمعیت شهر مشهد و گردشگران از سراسر ایران و جهان می‌باشند، به همین جهت از نظر کیفیت اوقات فراغت نسبت به شهر غیرتوریستی چناران موقعیت مناسب‌تری دارد. اما از لحاظ «کیفیت اشتغال و درآمد» بین ساکنان شهرهای توریستی شاندیز و غیرتوریستی چناران رابطه معناداری وجود ندارد.

با وجود اینکه شهر شاندیز از نظر منابع طبیعی و پوشش گیاهی، بازار مبل، خدمات هتل‌داری و غیره دارای بار اقتصادی زیادی است و این خود باعث افزایش اشتغال و درآمد می‌شود، از طرفی شهر چناران دارای یک شهرک صنعتی (به نام شهرک صنعتی چناران)، کارگاه‌های بسیار زیادی است و همچنین محل کار اکثر ساکنان این شهر به دلیل نزدیک بودن در شهر مشهد است و در نتیجه این خود باعث افزایش اشتغال و درآمد می‌شود. این بدان معناست که وجود و عدم وجود گردشگر در شهر تأثیری بر کیفیت درآمد و اشتغال نداشته است و این دو شهر از نظر این مؤلفه در سطح یکسانی قرار دارند. از لحاظ «کیفیت مشارکت اجتماعی» بین ساکنان این دو شهر تفاوت معناداری با سطح ۹۹ درصد وجود دارد. یعنی ساکنان شهر غیرتوریستی چناران از لحاظ کیفیت مشارکت اجتماعی نسبت به شهر توریستی شاندیز در وضعیت مناسبی قرار دارند و می‌توان دلیل آن را این‌طور بیان کرد که شهر چناران از دهه‌های گذشته عنوان شهر را به خود گرفت و از همان دوره، یک حس شهروندی به ساکنان آن دست پیدا کرده است و این موجب مشارکت اجتماعی بیشتر در آن‌ها می‌گردد و همچنین چون گردشگر به‌عنوان شهر توریستی به آن‌جا نمی‌رود و این هم خود باعث عدم رقابت بیشتر با هم می‌شود و باعث افزایش مشارکت شده است. در حالی که وجود گردشگر در شهر توریستی شاندیز باعث کاهش مشارکت اجتماعی ساکنان شهر می‌شود و یکی از دلایل آن این

است که ساکنان شهر شاندیز فقط برای رقابت اقتصادی در کنار هم زندگی می‌کنند و چون بیشتر ساکنان آن از روستاهای اطراف و با وضعیت مالی بسیار خوب در آن جا هستند و حس یکی بودن یا به عبارتی حس تعلق مکان را ندارند و این عامل خود به نوعی مشارکت اجتماعی شهروندان را کم کرده و باعث محافظه‌کار بودن ساکنان این شهر نسبت به هم می‌گردد.

ورود گردشگر هم تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی بر کیفیت شهرهای مورد نظر می‌گذارند. با توجه به نتایج این مطالعه می‌توان از تأثیرات مثبت وجود گردشگر در شهر توریستی شاندیز؛ بالا بودن کیفیت محیط مسکونی، کیفیت سلامت و کیفیت اوقات فراغت نام برد، همچنین از تأثیرات منفی وجود گردشگر در این شهر می‌توان به عدم وجود مشارکت اجتماعی ذکر کرد و از نظر کیفیت اشتغال و درآمد، وجود گردشگر تأثیری بر آن نگذاشته است. تأثیرات منفی عدم وجود گردشگر در شهر غیرتوریستی چناران عبارتند از: عدم کیفیت محیط مسکونی، کیفیت سلامت و کیفیت اوقات فراغت است و تأثیرات مثبت عدم وجود گردشگر را می‌توان به افزایش مشارکت اجتماعی اشاره نمود. عدم وجود گردشگر در شهر غیرتوریستی چناران تأثیری بر کیفیت اشتغال و درآمد ندارد.

همچنین در تعیین رتبه بین مؤلفه‌های کیفیت زندگی در هر یک از این دو شهر، می‌توان به این نتایج دست یافت که، سطوح مؤلفه‌های کیفیت زندگی با همدیگر تفاوت معنادار در سطح ۹۹ درصد دارند و نیز هر یک از مؤلفه‌ها در این دو شهر از لحاظ رتبه به‌طور نسبی باهم برابری می‌کنند.

بنابراین، با توجه به نتایج بدست آمده از داده‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهایی به‌صورت ذیل ارائه نمود:

– تشویق مردم در شهر توریستی (شاندیز) به مشارکت در طرح‌های عمرانی و افزایش آگاهی از اینکه مشارکت آنان در این طرح‌های عمرانی باعث افزایش گردشگر و در نتیجه باعث رونق اقتصاد شهر می‌شود.

– تقویت دسترسی به امکانات فرهنگی و تفریحی (کتابخانه، خانه‌های فرهنگی، سالن‌های تفریحی و سرگرمی، میدان‌ها و سالن‌های ورزشی بیشتر توسط مسئولان شهری) در شهر غیرتوریستی چناران برای گذران اوقات فراغت ساکنان شهر.

– تقویت فروشگاه‌های زنجیره‌ای و تعاونی در سطح شهر غیرتوریستی چناران جهت دسترسی بهتر برای امرار معاش روزانه و هفتگی در جهت بالا بردن سطح سلامت.

– تقویت همکاری منابع مالی و اعتباری بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه و ... از طریق شهرداری، جهت تعمیر و به‌سازی مسکن شهر غیرتوریستی چناران که با مصالح کم دوام و متفاوت ساخته شده‌اند.

منابع

۱. احمدوند، مصطفی؛ هدایتی‌نیا، سعید و عبداللهی، خسرو (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رفاه و سرمایه‌ی اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی، **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی**، شماره‌ی ۲.
۲. احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). ارتقاء روستا به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مورد: روستا- شهر صاحب شهرستان سفز)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
۳. اکبری، اسماعیل و امینی، مهدی (۱۳۸۹). کیفیت زندگی شهری ایران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره‌ی ۳۶.
۴. اورنگ، ملاحظ (۱۳۸۶). **سنجش کیفیت محیط در بازسازی‌های پس از سانحه**، مطالعه موردی: فضاهای عمومی شهر بم، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر مجتبی رفیعیان.
۵. بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷). مدل ارزیابی کیفیت محیط‌زیست شهری، **مجله محیط‌شناسی**، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۲۱.
۶. بحرینی، حسین (۱۳۷۸). **تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی**، تهران، دانشگاه تهران.
۷. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهر شاندیز (۱۳۷۵). **طرح‌های شهر شاندیز**.
۸. ثانی، عباس و غیائی‌فر، مژگان (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری شهرستان صومعه سرا با مدل SOWT، **مجله گردشگری و چشم‌انداز آینده**، سال سوم، شماره‌ی ۲.
۹. خواجه شاهکوهی، علیرضا؛ حسینی، محمد حسن و طوسی، رمضان (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی و تأثیر آن بر مشارکت شهروندان در امور شهری (شهر مینودشت)، **مجله جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای**، شماره‌ی ۱۰.
۱۰. حریرچی، امیرمحمود؛ جهرمی، خلیل و مکانی، اعظم (۱۳۸۸). چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس، **فصلنامه پژوهش اجتماعی**، سال ۲، شماره‌ی ۴.
۱۱. ربانی‌خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۶). مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، **مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، سال ۱۵، شماره‌ی ۵۸.
۱۲. رئیس دانا، فریبرز (۱۳۹۰). اشتغال شهری، **دانش‌نامه آزمون استخدام شهرداری‌ها**، وزارت کشور.
۱۳. رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین (۱۳۸۶). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌ها، **ارائه‌ی مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه**، شماره‌ی ۱۱: ۱۱-۱.
۱۴. رضوانی، محمدرضا؛ بدری، سید علی؛ سپهوند، فرخنده و اکبریان، سعیدرضا (۱۳۹۱). گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستایی، **مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال ۴، شماره‌ی ۱۳.
۱۵. زمانی، سیده‌الهام و فرهنگ، شکوفه (۱۳۹۲). تأثیر شاخص‌های توسعه‌ی شهری بر کیفیت زندگی در استان‌های ایران، **پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری**، مشهد.
۱۶. سالنامه آماری استان مازندران (۱۳۸۵). **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، تهران، مرکز آمار ایران.
۱۷. سبکبار، حسنعلی؛ باغیانی، حمیدرضا و نورانی، حمیده (۱۳۹۰). نقش گردشگری جنگ در ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان شهری مناطق جنگی استان خوزستان، با استفاده از مدل TOPSIS، **مجله برنامه‌ریزی فضایی**، سال ۱، شماره‌ی ۲: ۹۴-۸۳.

۱۸. سعیدی رضوانی، نوید و سینی چی، پیروز (۱۳۸۶). مشهد و اوقات فراغت، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۲: ۱-۶.
۱۹. سیفالدینی، فرانک؛ شعبانی فرد، محمد؛ حسینی، علی و رشیدی، مصطفی (۱۳۸۹). سنجش کیفیت و ظرفیت گردشگری شهری بر اساس الگوی رفتاری گردشگران و جامعه میزان، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱: ۶۷-۸۷.
۲۰. علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲). مشارکت در اداره امور شهر، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، جلد اول.
۲۱. فاضل، رضا و رضانی فر، حدیثه (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی توسعه‌ی گردشگری و تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: ساکنان محلی دهستان دوهزار)، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری، سال ۱، شماره ۳.
۲۲. فکوهی، ناصر و انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی (نمونه موردی: دبیرستان‌های دخترانه شهر تهران)، فصلنامه انسان شناسی، دوره ۱، شماره ۴: ۸۹-۶۱.
۲۳. فیروزجانیان، علی اصغر و غلامرضا زاده، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیلی در خصوص ضرورت توجه به آموزش محیط زیست در بخش گردشگری شهر مشهد، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری، سال ۱، شماره ۳.
۲۴. کمالی‌خواه، عفت و نوروزی، سعیده (۱۳۸۶). بررسی نقش مشارکت شهروندان در روند اجرای طرح‌های شهری بافت‌های تاریخی، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده، مشهد.
۲۵. لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال ۱، شماره ۴.
۲۶. لطفی، صدیقه و باباخانزاده، ادریس (۱۳۹۳). بررسی اثر گردشگری پایدار شهری بر ساکنان شهری (مطالعه موردی: شهر جوانرود کرمانشاه)، مجله برنامه‌ریزی و توسعه‌ی شهری، سال ۳، شماره ۹: ۱۵۰-۱۳۰.
۲۷. لونسبری و آلدريج (۱۳۷۸). درآمدی بر روش‌ها و فنون میدانی جغرافیا، ترجمه بهلول علیجانی، انتشارات پیام نور.
۲۸. لینچ، کوین (۱۳۷۴). سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. مخیر، عباس (۱۳۶۳). ابعاد اجتماعی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۳۰. مختاری، مرضیه و نظری، جواد (۱۳۸۹). جامعه شناسی کیفیت زندگی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۳۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۳۲. مولودی، جمشید (۱۳۸۸). سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۳. مهندسین مشاور آرمان شهر (۱۳۸۳). طرح ویژه ساختاری و تفصیلی شهر بم، شهرداری شهر بم.
۳۴. مهندسین مشاور نقش پیراوش (۱۳۸۵). طرح جامع شهرستان چناران. شهرداری شهر چناران.
35. Anuar, A. N. A., Jaini, N., Kamarudin, H. and Nasir, R. A. (2012). **Effectiveness evaluation of Safe City Programme in relation to the tourism industry**, *Procedia Engineering*, 42: 407-414.
36. Bruggemann, B. R., Garlipp, P., Haltenhof, H. and Seidler, K. p. (2007). **Quality of life and social support as outcome characteristics of a psychiatric day hospital**. *German journal of psychiatry*, (10): 58-68.
37. Das, D. (2008). **Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati, Social Indicators Research**, (88).
38. Epley, D. and Menon, M. (2008). **A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, Soc Indic Res**, (88):281-296.

39. Mayres, D. (1987). Community-Relevant Measurement of Quality of life a focus on local trends, University of Texas at Austin ,**Urban affairs Quarterly**, 23(1): 110-130.
40. Massidda, C. and Etzo, I. (2012). The determinants of Italian domestic tourism: A panel data analysis, **Tourism Management**, 33(3): 603-610.
41. Pal, A.K.(2005). U.C. Quality of life concept for the evaluation of societal development of rural community in west bangal, India, **Rural Development**, 5(2).
42. Qin, G., Meizhen, L., Jin Hua, M. and Jun lei, Z. (2011). The development of urban night tourism based on the nightscape lighting projects--a Case Study of Guangzhou, **Energy Procedia**, 5: 477-481.
43. Segall, A. (1976). The Sick Role Concept: Understanding Illness Behavior, **Journal of Health and Social Behavior**, 17(2): 162-169.
44. Schofeild, R. (1998). Empowerment education for individuals with serious mental illness, **Journal for psycho social nursing & mental health**, (11): 35- 39.